

پروژه ساخت پناهگاه «تخت فریدون» در مسیر صعود به قله دماوند



در آذرماه سال 1353 هادی مستوفی به همراه دو کوهنورد دیگر که هر سه در زمهره کوهنوردان باتجربه و کارآزموده دانشکده فنی بودند، در جریان برنامه تدارکاتی و شناسایی و مشخص کردن مسیر، از راه یال شمال شرقی، تخت فریدون و از کنار یخچال «دبی سل» اقدام به صعود به قله دماوند کردند. پس از صعود به قله، در بازگشت هوا طوفانی شده و زنده‌یاد هادی مستوفی دچار لغزش و سقوط چند صد متری در شیب تند و یخ‌زده یخچال «دبی سل» شد و پیکر بی‌جان او در میانه‌های یخچال و در ارتفاع حدود 5000 متری متوقف گردید. در خرداد سال 1355 نیز سیروس رضوان قهفرخی دانشجوی ورودی 1354 در یکی از برنامه‌های سنگ‌نوردی دانشکده فنی از دیواره بند یخچال سقوط کرد و کشته شد.

برای زنده‌داشت یاد و خاطره این دو جان‌باخته‌ی کوه و نیز تسهیل صعودهای زمستانی قله دماوند، مسئولان وقت اتاق کوه‌نوردی دانشکده فنی تصمیم به ساخت پناهگاه، در همان مسیر صعود «هادی مستوفی» گرفتند. برنامه‌ریزی، تدارکات و هماهنگی‌های مربوط به ساخت پناهگاه از اوایل سال 1355 و عملیات اجرایی

آن هم‌زمان با تعطیلات تابستانی دانشگاه‌ها از اول تابستان همان سال آغاز شد. این ساختمان در تخت‌گاهی در پناه صخره‌ها، در ارتفاع 4400 متری در مکانی معروف به تخت فریدون احداث شد تا پناهگاهی باشد برای استراحت و اقامت شبانه کوه‌نوردانی که قصد صعود به قله دماوند از مسیرهای شمالی و یال شمال شرقی را داشتند.

با تلاش بیش از 200 کوه‌نورد دانشکده فنی، دیگر دانشکده‌های دانشگاه تهران و سایر دانشگاه‌ها در حدود دو ماه در گروه‌های شهر (تدارک و ساخت) و گروه کوه، ساخت پناهگاه سازمان‌دهی شد و در میانه شهریورماه 1355، با یاد خاطره هادی مستوفی و سیروس رضوان، به بهره‌برداری رسید.

پناهگاه اصلی صعود به قله دماوند موسوم به «بارگاه سوم» که سال‌ها پیش از آن ساخته شده بود در مسیر یال جنوبی جای دارد و کوتاه‌ترین و سریع‌ترین مسیر صعود به قله است ولی به دلیل بهمن‌گیر بودن بخش‌هایی از مسیر، برای صعودهای زمستانی بسیار پرخطر است. از این‌رو صعودهای زمستانی بسیار محدودی به قله دماوند انجام می‌شد. در نتیجه ساخت پناهگاه در مسیر مناسب صعود زمستانی ضرورت داشت و با احداث آن کوه‌نوردان بیشتری می‌توانستند در زمستان به قله دماوند صعود کنند.

برای صعودهای زمستانی دماوند، بهترین مسیر همان یال شمال شرقی است که لوله گزنه شروع می‌شود و پس از «گوسفند سرا» تمام مسیر از روی یال ادامه می‌یابد و پس از عبور از کنار شبه قله «منار» و ادامه صعود به مکانی به نام تخت فریدون می‌رسد که بهترین جا برای برپایی کمپ و استراحت پیش از صعود نهایی است. پناهگاه طراحی شده دارای پلان ساده مستطیل شکل با ابعاد حدوداً 4×6 متر و با پی و دیوارهای سنگی و سقف فلزی متشکل از قاب قوس‌دار فولادی، تیر ریزی و پوشش ورق آلومینیوم و در و پنجره‌های آلومینیومی است. به جز سنگ و شن و ماسه و آب که از همان مکان به دست می‌آمد، بقیه مصالح را کوه‌نوردان و با سختی زیاد تا آن ارتفاع حمل می‌کردند. کار جمع‌آوری و حمل سنگ‌های ساختمانی نیز از دامنه‌های بالایی مشرف به محل ساخت پناهگاه را نیز کوه‌نوردان انجام دادند که پس از انتخاب سنگ‌های مناسب، در طول صفی که تا محل دپوی سنگ‌ها در نظر گرفته شده بود دست‌به‌دست می‌شد. کارهای سنگ‌تراشی و بنایی را هم چند نفر از کوه‌نوردان که شاید اولین تجربه آن‌ها بود، انجام می‌دادند.

کوه‌نوردان شرکت‌کننده در این برنامه جمعی، در طول حدود دو ماهی که این کار طول کشید، یک یا چند بار در قالب گروه‌های 15 تا 20 نفره برای حمل مواد غذایی و مصالح موردنیاز به تخت فریدون رفته و چند روزی در کمپ مانده و در کار جمع‌آوری سنگ و دیگر کارها به تیم اصلی ساخت پناهگاه کمک می‌کردند. حمل سیمان، ضد یخ برای ملات سیمان، قاب‌های فولادی سقف و ورق‌های آلومینیومی از مشکل‌ترین کارها بود که

هر کوهنورد حدود 30 تا 40 کیلو بار را در کوله خود حمل می‌کرد، قاب‌های قوس‌دار فولادی و ورق‌های آلومینیومی را نیز هر دو نفر با دست تا ارتفاع 4400 حمل می‌کردند. در روزهای اول شهریور 55، لوح برنجی یادبود نصب شد و یک کاگروهی موفق، به یاد کوهنوردان فقید به سرانجام رسید.

* این متن با استفاده از خاطرات دانشجویان دانشکده فنی همکار پروژه تهیه شده است.



















در حال نصب سازه فلزی سقف





در آخرین روزهای ساخت پناهگاه



پناهگاه تقریباً تکمیل شده از سمت پشت



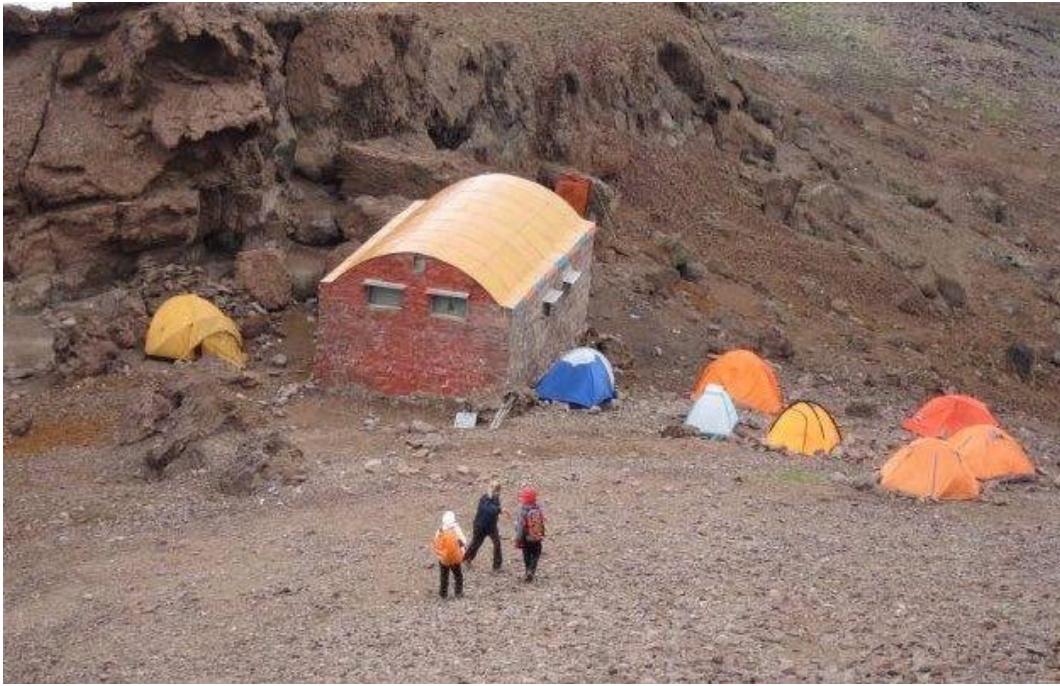


در حال ترك پناهگاه پس از تکميل آن و در آخرين روز برنامه











عکسی از کوه نوردان در حال استراحت در داخل
پناهگاه و نیم طبقه آن در سالهای اخیر